

به مناسبت روز ملی دماوند

## دماوند در انتظار ثبت در تقویم رسمی کشور

۱۴ تیر ۱۴۰۲ شماره ۴۵۹۳ • سال بیستم

شماره ۱۴۰۲

روزانه

www.sharghdaily.com

ایرنا: ۱۳ تیرماه روز ملی دماوند نام‌گذاری شده است. ۱۹ سال از نام‌گذاری این روز گذشته است اما با وجود تلاش‌های زیاد دوستداران محیط زیست، هنوز این روز در تقویم رسمی کشور درج نشده و مشکلات محیط‌زیستی این کوه غرور‌آفرین همچنان پابرجاست. کوه دماوند آن دیو سپیدپای درند، سال‌هاست که با استواری و غرور پابرجاست و زیبایی خود را بر رخ همگان می‌کشد. روز ۱۳ تیرماه که روز ملی دماوند است، با جشن تیرگان مقارن شده است. جشن تیرگان روزی است که در آن شجاعت آرش و غرور دماوند یادآوری می‌شود؛ روزی است که بنا بر روایات آرش کمان‌گیر به بالای کوه دماوند رفته و تیر معروف خود را برای تعیین مرز ایران و توران پرتاب کرده است. کوه دماوند از سال ۱۳۸۱ به عنوان اثر طبیعی ملی در سازمان حفاظت محیط زیست ثبت شده است و در سال ۱۳۸۷ نیز سازمان میراث فرهنگی دماوند را به عنوان آثار ملی به ثبت رساند. بعد از آن تلاش برای ثبت جهانی این سمبل ملی آغاز شد اما تاکنون بعد از گذشت پیچ‌خم‌های بسیار، همچنان در نقطه اول ایستاده و خبری از ثبت جهانی آن نیست و با ثبت جهانی به اندازه بلندی خودش فاصله دارد و این مشاهده می‌کنیم.

این بار پس از ورود به حیاط مجتمع خانواده در بین آن‌همه جمعیت و هیاهو اولین چیزی که توجه من را جلب کرد، حضور یک دختر نوجوان که از چهره‌اش مشخص بود تقریباً ۱۳ یا ۱۴ سال بیشتر ندارد، بود که دقیقاً در نزدیکی بوفه دادگاه با قد کوتاه و کیف کوله‌پشتی عروسکی ایستاده بود و پسری جوان با قدی نسبتا بلند و تهریش و یک پیراهن سفید بر تن در حدوداً یک‌متری این دختر جوان به او خیره شده بود و مدام داشت به مادرش که نزدیک او بود، می‌گفت این لقمه تو و خواهرت بود، تو من را بدبخت کردی؛ وگرنه من اصلاً دم ازدواج‌کردن نبودم. این‌قدر به من گفتی که من مجبور شدم قبول کنم. این حرف‌ها گفت‌جولی این پسر جوان تقریباً ۲۶ساله بود که توجه من را جلب کرد. جلو رفتم و پرسیدم ماجرا چیست. پسر جوان به اسم نوید گفت: چی بگم آقا پرواز یکانه بیس تا بهت بکشد چه کارا می‌کنه که منو خسته کرده. هر روزاوش بیس چرأ آن‌قدر بجه‌بازی از خودش درمیاره. آخه کسی که ازدواج کرده باید عروسک بازی کنه؟ باید بره شهربازی؟ باید با بجه‌ها خاله‌بازی کنه؟ من ازدواج کردم به این فکر که زندگی خوبی داشته باشم از سر کار میام همسر هم چیزش آماده باشه؛ اما الان برعکس شده من همه کارا رو می‌کنم؛ در ادامه نوید گفت: یکانه اون دختر خانم اونجا کنار بوفه وابستاده. همونی که کوله‌پشتی عروسکی داره. اون زن من هست که تازه چند وقت پیش ۱۴ سالش شده. با تعجب گفتم خود شما چند سال‌تون؟ نوید گفت من هم چند ماهه دیگه ۲۶ سالم می‌شه. در همین بین مادر یکانه و مادر نوید با هم گفتند این کار را ما کردیم و اشتباه کردیم. ما هرگز فکر نمی‌کردیم سرنوشت بجه‌هامون به اینجا برسه، وگرنه این کارو نمی‌کردیم. الان چیزی نشده منتهای نوید کمی عجله داره و می‌که این رفتارهای یکانه اذیتش می‌کنه. ان‌شاءالله که طلاق نمی‌گیرند و خوب می‌شه وضعیت زندگی‌شون؛ یکانه که گفت‌وکوو ما را دید، آمد نزدیک و گفت: آقا ما دخترخاله بسرخاله هستیم و تقریباً دو ماه دیگه می‌شه یک سال که عقد کردیم. منتهای من نمی‌فهمم اینجا اصلاً چی‌کار می‌کنم. آقا شما بگو این کار من به دوسم دارم شب‌ها کنار عروسک‌هام بخوابم و این کار من باعث شده نوید به من حرف‌های بدی بزنه و منو مسخره می‌کنه!

نوید پس از این حرف‌ها ادامه داد و با لحن حق‌به‌جانبی

گفت: بله که می‌گم. آقا باورتون می‌شه این حرف‌ها مال یک دختر متاهل باشه؟ اصلاً منم مشکلم همینه، آخه یکانه تو خونه وقتی من می‌رم پیشش ول می‌کنه می‌ره تو اتاقش عروسک بازی می‌کنه یا می‌شینه کارتون نگاه می‌کنه. اصلاً نمی‌فهمم من چی می‌گم. هرچی بگم متوجه نمی‌شه. من تو به دنیا هستم یکانه تو یک دنیا دیگه. با تعجب گفتمش چرا قبول کردین که با هم ازدواج کنید؟ مگه شما از پیامدهای کودک‌همسری آگاه نیستین. رفتارهای یکانه خیلی طبیعی است. در همین بین بود که ناگهان برگه ابلاغیه را مادر نوید نشان داد و گفت فکر کنم الان دیگه دادگاهشون شروع بنشه. می‌شه شما ما رو تا شعبه همراهی کنید آخه نمی‌دونیم تو کدوم طبقه است. برگه ابلاغیه رو گرفتم و راهی شعبه شدم. وقت رسیدگی در شعبه‌ای بود که در طبقه اول اتاق سوم سمت راست قرار داشت. در مسیر تا خود شعبه حرف زدم و به محض ورود به شعبه مدیر دفتر با تعجب گفت چه خبره اینجا چرا این‌همه سروصدا می‌کنید. مگه اودمین مهمونی، اینجا دادگاه است چرا همه با هم اومدید. فقط زوج و زوج، بقیه بیرون که ناگهان قاضی پرونده صدا رو شنید و گفت وقت رسیدگی ساعت ۱۰ رو یکید با خانواده بیان داخل. وارد اتاق شدیم. یکانه و مادرش در یک سمت نشستند و نوید و مادرش هم در یک سمت دیگر. قاضی پس از مطالعه دادخواست با تعجب رو به مادر یکانه کرد و گفت چرا این دختریچه ۱۴ساله رو شوهرش دادی خانم؟

مادر یکانه با نگاهی به مادر نوید گفت آقای قاضی واقعیتش اینه که خواهرم از زمانی که یکانه به دنیا اومد، بهش می‌گفت عروس من. ما هم زیاد توجه نمی‌کردیم. آخه فکر می‌کردیم داره ششویی می‌کنه تا اینکه وقتی یکانه کمی بزرگتر شد و نوید هم بزرگ شده بود و وقت ازدواجش رسیده بود خواهرم رسماً اومدن خواستگاری یکانه. من اولش مخالف بودم چون یکانه کوچک بود. آخه اون موقع که اومدن خواستگاری دخترم یکانه ۱۲ سالش بود و از طرفی وقتی اصرارهای نوید و خواهرمو دیدیم تصمیم گرفتیم بنذاریم کمی یکانه بزرگتر بشه بعدش ما عاقد عکن. تو این مدت آن‌قدر خواهرم رفت و اومد که مجبور شدیم عقدشون کنیم تا نوید بره سربازی و بعدش عروسی‌شون رو بگیریم. آخه من خودم و خواهرم هم تقریباً ۱۵ساله بودیم که ازدواج کردیم. سختی کم نکشیدیم؛ ولی دیگه مجبور بودیم زندگی کنیم. واسه همین من نمی‌خواستم یکانه رو زود شوهرش بدم؛ اما اصرارهای خواهرم و اطرافیان من محیط محل زندگی‌مون باعث شد رضای بشم. البته من نوید من نمی‌خواستم دخترتم مثل من سختی بکشه. وضع مالی خواهرم اینا خیلی خوب بود واسه همین قبول کردم با پسرخاله خودش ازدواج

موجب نگرانی دوستداران طبیعت شده است. حتی تلاش شد تا این روز به عنوان یک روز ملی در تقویم رسمی کشور درج شود که برای این منظور هم راه به جایی برده نشد. دماوند با پنج‌هزار و ۶۷۱ متر ارتفاع در بخش شمالی کشور واقع شده اما فقط از ارتفاع چهارهزار و ۲۰۰ متر تا قله منطقه تحت حفاظت محیط زیست است. در حالی که بیشترین مشکلات و معضلات مربوط به ارتفاع دو هزار متر به بالاست که این مناطق با وجود پیشنهادات مکرر سازمان حفاظت محیط زیست به عنوان منابع حفاظت‌شده اعلام نشده است تا این سازمان بتواند به صورت یکپارچه مسئولیت آن را بر عهده بگیرد. بر این اساس دماوند با مشکلات زیادی دست‌وپنجه نرم می‌کند که یک فعال محیط زیست دراین‌باره به خبرنگار محیط زیست ایرنا گفت: در برخی کشورها برای سمبل‌ها و نمادهای ملی و طبیعی خود ارزش‌های زیادی قائل هستند و برای اینکه از آنها کاملاً حفاظت کنند، دولت مرکزی اطراف آن نماد را تا شعاع چندین کیلومتر به عنوان میراث طبیعی یا فرهنگی ثبت می‌کند و این میراث را با مدیریت ویژه اداره می‌کند. حسین عبیری‌گلیپایگانی افزود: در حالی که در کشور ما خبری از

# درخواست طلاق به خاطر عروسک‌بازی همسر

کته تا مثل من نشه اما الان اقرار می‌کنم اشتباه کردم و نباید قبول می‌کردم. قاضی رو به نوید کرد و گفت سربازی نرفتی پسرم. نوید پاسخ داد نه آقای قاضی دانشگاه کم‌ی طول کشید یک سال هم نرفتم واسه همین سربازی‌رفتم طولانی شد. الانم تازه آموزشی من تمام شده چون متاهل هستم قراره بیام شهر خودم ادامه خدمتم رو. یکانه که تا آن لحظه سکوت کرده بود و کیفشو تو بغلش محکم گرفته بود و با جاکلییدی عروسکی کیشش بازی می‌کرد، یهو بلند شد و به دنبال پروانه تو اتاق قاضی دوید که مادرش سریع دستشو گرفت و گفت چی کار می‌کنی بشین زشته ابرومو بردی. اینجا دادگاه است تو چرا آن‌قدر منو حرص می‌دی، چرا بجه‌بازی از خودت درمیاری. خجالت بکش دیگه بزرگ شدی اینجا داریم راجع به زندگی تو حرف می‌زنین. می‌فهمی چقد بهت بگم بزرگ شو خستم کردی!

قاضی وقتی این حرف‌ها رو شنید و رفتار یکانه را هم دید، گفت

خانم محترم کارش نداشته باشیدی اون الان وقت بازی‌کردنش هست نه شوهرداری. این را شما که مادرش هستی باید متوجه می‌شدی نه اون بچه طفل معصوم که هنوز در دنیای کودکی خودش غرق است و چیزی از زندگی مشترک نمی‌دونه. اشتباه خودتون رو پای اون بچه نذارید.

قاضی پس از چند دقیقه که به رفتارهای کودکانه یکانه نگاه می‌کرد، رو به نوید کرد و گفت چرا حالا می‌خوای طلاق بگیری؟ نوید گفت حاج آقا چرا نداره دیگه. نمونه‌شو الان دیدین دیگه. من خسته شدم. تو این مدتی که عقد کردیم همش از همین کارا می‌کنه. اولش گفتم طبیعی هست توجه نکردم اصلاً الان دیگه خسته شدم. همش باید مراقب یکانه باشم تا مبدا کار بچکانه‌ای نشده واقعا خسته‌شدم دیگه نمی‌کشم. اگر اصرارهای مادر و خاله‌هام نبود همون ماه‌های اول طلاق گرفته بودم. اما اینا همش گفتن خوب می‌شه اولش هست. خوب که نشد هیچ بدترم شد و من دیگه نمی‌تونم تحمل کنم. نوید ادامه داد و گفت آقای قاضی یکانه چیزی نمی‌فهمه واقعا از محبت‌کردن به من واز اینکه من چه نیازی دارم چیزی متوجه نمی‌شه. این منو داره اذیت می‌کنه، واقعا خسته‌شدم. بعدم همش خالم داره تو زندگی ما دخالت می‌کنه و همش اون سه یکانه می‌که چی کار بکنه چی کار نکنه. به من می‌که خوب می‌شه صبر کن. من چقد صبر کنم خسته شدم. الانم اینا هیچ کدومشون رضای نیستن و من مجبورشون کردم بیان اینجا و شاهد چاهی که برای من کنن باشن. نوید با نگاهی به مادرش گفت آقای قاضی اصلاً نمی‌فهمم چرا فریب حرف دوروبریام رو خوردم. همین چند هفته پیش که با دوستم و خانمش که شنون بیشتر از من هست رفته بودیم بیرون، همش دنبال بازگوشی بود. به من می‌گفت بیا منو تاب هل بده یا سرسره‌بازی می‌کرد. اصلاً به اوضاعی

این کارها نیست و در این زمینه قدمی برای قله دماوند به عنوان نماد ملی برداشته نشده است. ای کاش دولت مرکزی، شهر رینه را که نزدیک‌ترین محل سکونت انسان به قله دماوند است، به صورت سمبلیک به عنوان پایتخت کوهنوردی ایران معرفی می‌کرد و بخش‌هایی از فدراسیون کوهنوردی و سازمان‌هایی مانند سازمان جنگل‌ها، مراتع و آبخیزداری، سازمان حفاظت محیط زیست و وزارتخانه‌هایی همچون ورزش و جوانان و همچنین صنعت، معدن و تجارت و نهادهای دیگری که با کوه دماوند سروکار دارند در شهر رینه با دفترهای مدیریتی مستقلی اداره می‌شدند تا از طریق این مدیریت ویژه به روند حفاظت و پاسداشت این میراث طبیعی و تاریخی گرانبها، نظارت مستقیم داشته باشد. وی اظهار کرد: امسال نوزدهمین سالی است که روز ملی دماوند برگزار می‌شود. در تیرماه ۱۳۸۳ در یکی از جلسات هیئت کوهنوردی استان تهران اولین جرعه‌های پاسداشت زیست‌محیطی قله دماوند زده شد و در آن روزهای گرم تابستانی نور امیدی در دل‌ها درخشید، اما تا امروز به رغم تمام تلاش‌هایی که صورت گرفته به نظر می‌رسد قدم‌های چندان مثبتی در این راستا برداشته نشده است

و دماوند همچنان با کوهی از مشکلات دست‌وپنجه نرم می‌کند. عبیری‌گلیپایگانی ادامه داد: برداشت بی‌رویه از معادن پوکه‌های صنعتی بدون ارزیابی زیست‌محیطی، شکار و نابودی تنوع گونه‌های زیستی کوه دماوند، چرای بی‌رویه دام، تعداد زیاد سگ‌های گله، هجوم شکارچیان، صعودهای پرتعداد و اردوکنشی‌ها بی‌ضابطه کوهنوردی و گردشگری، جاده‌کشی‌های اضافی یا بازکردن معابر گوناگون در مسیرهای صعود قله، نابودی دشت شقایق، ساخت بی‌رویه ویلاها در مناطق اطراف دامنه‌های کوه دماوند و آلودگی آب سد لاز که از قله و دامنه‌های کوه دماوند سرچشمه می‌گیرد ازجمله خطرات و مشکلات اساسی قله دماوند است که تهدیدات جدی برای قله محسوب می‌شوند. وی تأکید کرد: شاید در روزهای گرم تابستان ۱۳۸۳ که برای اولین بار ایده نام‌گذاری روز ملی دماوند به ذهن کوهنوردان و فعالان محیط زیست خطور کرد به ذهن هیچ کدامان هم نمی‌رسید که بعد از گذشت ۱۹ سال هنوز کاری صورت نگیرد وپس از سال‌ها تلاش و کوشش هنوز هم در تقویم رسمی کشور روز ملی دماوند که نماد و سمبل کشور است، درج نشده باشد.



می‌رسید یکانه هنوز هم در دنیای کودکانه خود قرار دارد و تا زمانی که به درک و بلوغ عقلی کافی نرسد، نمی‌تواند مباحث پیچیده زندگی مشترک و زندگی زناشویی را به‌خوبی درک کند و این مسئله کاملاً امری طبیعی و انسانی است؛ چراکه سن یکانه اصلاً مناسب ازدواج‌کردن نبوده و نیست. متأسفانه باید بگویم افرادی که با کودک‌همسری موافق هستند، مثل مادر نوید و مادر یکانه فقط وقتی می‌بینند که فرزندانش به بلوغ جنسی رسیده، سریعاً او را به سمت زندگی متاهلی سوق می‌دهند؛ درصورتی‌که برای زندگی مشترک علاوه بر بلوغ جنسی نیاز است که افراد به بلوغ عاطفی، عقلی، احساسی، اجتماعی، فرهنگی، مالی و… هم برسند و مسائل مربوط به حقوق خانواده را با تمام وجود درک و تجزیه و تحلیل کنند. در این پرونده یکانه فقط قربانی خواست و اراده مادر و خاله‌اش شده و این مسئله بی‌شک به او آسیب‌های زیادی را وارد کرده است که اگر جلوی این ازدواج همین الان گرفته نشود، ممکن است دیگر این آسیب‌ها جبران‌پذیر نباشد.

افراد برای اینکه ازدواج کنند، باید به درک و شعور بالا برسند و ماهیت زندگی مشترک و ازدواج را درک کنند. باید ازخودگذشتگی، تعهد، وفاداری، صمیمیت، مسئولیت‌پذیری، صداقت، استقلال مالی و… را بیاموزند. بعد ازدواج کنند؛ وگرنه مثل ماجرای نوید و یکانه ممکن است در کوتاه‌ترین مدت راهی دادگاه خانواده شوند و طلاق پایان زندگی آنها را رقم بزند. وقتی افراد در سن پایین ازدواج می‌کنند، این‌اچاره را به دیگران و اطرافیان خود می‌دهند که در زندگی مشترک آنها دخالت کنند و هر تصمیمی را به جای آنها بگیرند؛ کمالاتکه یک نمونه از صدها نمونه پرونده‌های کودک‌همسری را در پرونده نوید و یکانه دیدید. به نظر می‌رسد این پرونده راهی جز جدایی و طلاق برایش مناسب نیست.

|          |          |          |          |          |          |
|----------|----------|----------|----------|----------|----------|
| <b>۸</b> | <b>۶</b> | <b>۷</b> | <b>۱</b> |          |          |
| <b>۱</b> | <b>۷</b> | <b>۲</b> | <b>۶</b> |          |          |
|          |          | <b>۸</b> |          |          |          |
| <b>۳</b> | <b>۴</b> | <b>۱</b> | <b>۷</b> | <b>۹</b> |          |
|          |          | <b>۵</b> |          |          |          |
| <b>۳</b> | <b>۴</b> | <b>۹</b> | <b>۱</b> |          |          |
|          |          | <b>۱</b> | <b>۹</b> | <b>۵</b> | <b>۸</b> |
| <b>۸</b> | <b>۵</b> | <b>۹</b> | <b>۴</b> | <b>۱</b> |          |

|          |          |          |          |          |          |
|----------|----------|----------|----------|----------|----------|
|          |          | <b>۶</b> | <b>۱</b> |          |          |
| <b>۸</b> | <b>۱</b> | <b>۵</b> | <b>۸</b> | <b>۲</b> |          |
| <b>۳</b> | <b>۳</b> | <b>۷</b> | <b>۴</b> | <b>۷</b> | <b>۴</b> |
| <b>۳</b> | <b>۴</b> | <b>۵</b> | <b>۲</b> | <b>۴</b> | <b>۵</b> |
| <b>۱</b> | <b>۷</b> | <b>۵</b> | <b>۸</b> | <b>۷</b> |          |
| <b>۱</b> | <b>۲</b> | <b>۵</b> | <b>۸</b> | <b>۷</b> | <b>۱</b> |
| <b>۳</b> | <b>۶</b> | <b>۱</b> | <b>۵</b> | <b>۹</b> |          |
|          |          | <b>۴</b> | <b>۹</b> | <b>۴</b> |          |

- سودوکو سخت ۳۵۳۱**

زمان پیشنهادی: ۴۰ دقیقه

**قانون‌های حل جدول سودوکو:**

۱- در هر سطر و ستون باید اعداد یک تا ۹ نوشته شود.
بديهی است که هيچ عددی نباید تکرار شود.

۲- در هر مربع ۳×۳ اعداد یک تا ۹ باید نوشته شود و در نتیجه هيچ عددی نباید تکرار شود.

- سودوکو ساده ۳۵۳۱**

زمان پیشنهادی: ۲۰ دقیقه

**سودوکو**

سودوکو Sudoku یک واژه ترکیبی ژاپنی به معنای عددهای بی‌تکرار است و امروزه به جدولی از اعداد گفته می‌شود که به عنوان یک سرگرمی رایج در نشریات کشورهای مختلف به چاپ می‌رسد.

|                      |          |          |          |          |          |          |          |          |          |
|----------------------|----------|----------|----------|----------|----------|----------|----------|----------|----------|
| <b>حل سودوکو سخت</b> | <b>۹</b> | <b>۳</b> | <b>۷</b> | <b>۱</b> | <b>۲</b> | <b>۵</b> | <b>۴</b> | <b>۸</b> | <b>۶</b> |
|                      | <b>۶</b> | <b>۲</b> | <b>۱</b> | <b>۹</b> | <b>۸</b> | <b>۴</b> | <b>۵</b> | <b>۳</b> | <b>۷</b> |
|                      | <b>۸</b> | <b>۵</b> | <b>۴</b> | <b>۷</b> | <b>۶</b> | <b>۲</b> | <b>۱</b> | <b>۹</b> | <b>۳</b> |
|                      | <b>۲</b> | <b>۱</b> | <b>۸</b> | <b>۷</b> | <b>۵</b> | <b>۹</b> | <b>۶</b> | <b>۴</b> | <b>۳</b> |
|                      | <b>۳</b> | <b>۶</b> | <b>۹</b> | <b>۴</b> | <b>۱</b> | <b>۲</b> | <b>۷</b> | <b>۵</b> | <b>۸</b> |
|                      | <b>۵</b> | <b>۹</b> | <b>۶</b> | <b>۷</b> | <b>۸</b> | <b>۱</b> | <b>۳</b> | <b>۲</b> | <b>۴</b> |
|                      | <b>۱</b> | <b>۴</b> | <b>۳</b> | <b>۶</b> | <b>۹</b> | <b>۲</b> | <b>۷</b> | <b>۵</b> | <b>۸</b> |
|                      | <b>۷</b> | <b>۸</b> | <b>۲</b> | <b>۱</b> | <b>۳</b> | <b>۹</b> | <b>۶</b> | <b>۵</b> | <b>۴</b> |

|                       |          |          |          |          |          |          |          |          |          |
|-----------------------|----------|----------|----------|----------|----------|----------|----------|----------|----------|
| <b>حل سودوکو ۳۵۳۰</b> | <b>۸</b> | <b>۶</b> | <b>۲</b> | <b>۷</b> | <b>۵</b> | <b>۱</b> | <b>۴</b> | <b>۳</b> | <b>۹</b> |
|                       | <b>۱</b> | <b>۷</b> | <b>۴</b> | <b>۹</b> | <b>۸</b> | <b>۶</b> | <b>۲</b> | <b>۱</b> | <b>۵</b> |
|                       | <b>۹</b> | <b>۳</b> | <b>۵</b> | <b>۶</b> | <b>۱</b> | <b>۲</b> | <b>۸</b> | <b>۴</b> | <b>۷</b> |
|                       | <b>۵</b> | <b>۱</b> | <b>۳</b> | <b>۲</b> | <b>۷</b> | <b>۵</b> | <b>۹</b> | <b>۸</b> | <b>۶</b> |
|                       | <b>۵</b> | <b>۱</b> | <b>۳</b> | <b>۲</b> | <b>۷</b> | <b>۵</b> | <b>۹</b> | <b>۸</b> | <b>۶</b> |
|                       | <b>۷</b> | <b>۴</b> | <b>۹</b> | <b>۸</b> | <b>۶</b> | <b>۲</b> | <b>۱</b> | <b>۵</b> | <b>۳</b> |
|                       | <b>۶</b> | <b>۵</b> | <b>۱</b> | <b>۳</b> | <b>۲</b> | <b>۸</b> | <b>۴</b> | <b>۷</b> | <b>۹</b> |

- حل جدول ۴۵۳۴**

|                     |           |           |           |           |           |           |          |          |          |          |          |          |          |          |          |
|---------------------|-----------|-----------|-----------|-----------|-----------|-----------|----------|----------|----------|----------|----------|----------|----------|----------|----------|
| <b>حل جدول ۴۵۳۴</b> | <b>۱۵</b> | <b>۱۴</b> | <b>۱۳</b> | <b>۱۲</b> | <b>۱۱</b> | <b>۱۰</b> | <b>۹</b> | <b>۸</b> | <b>۷</b> | <b>۶</b> | <b>۵</b> | <b>۴</b> | <b>۳</b> | <b>۲</b> | <b>۱</b> |
| <b>۱</b>            | <b>۵</b>  | <b>۲</b>  | <b>۴</b>  | <b>۳</b>  | <b>۱</b>  | <b>۲</b>  | <b>۵</b> | <b>۶</b> | <b>۳</b> | <b>۴</b> | <b>۱</b> | <b>۳</b> | <b>۲</b> | <b>۷</b> | <b>۸</b> |
| <b>۲</b>            | <b>۳</b>  | <b>۱</b>  | <b>۲</b>  | <b>۵</b>  | <b>۴</b>  | <b>۳</b>  | <b>۶</b> | <b>۱</b> | <b>۸</b> | <b>۷</b> | <b>۲</b> | <b>۹</b> | <b>۵</b> | <b>۳</b> | <b>۴</b> |
| <b>۳</b>            | <b>۴</b>  | <b>۲</b>  | <b>۵</b>  | <b>۱</b>  | <b>۳</b>  | <b>۶</b>  | <b>۴</b> | <b>۷</b> | <b>۸</b> | <b>۹</b> | <b>۵</b> | <b>۱</b> | <b>۲</b> | <b>۳</b> | <b>۴</b> |
| <b>۴</b>            | <b>۵</b>  | <b>۳</b>  | <b>۶</b>  | <b>۲</b>  | <b>۱</b>  | <b>۳</b>  | <b>۷</b> | <b>۴</b> | <b>۵</b> | <b>۸</b> | <b>۶</b> | <b>۹</b> | <b>۲</b> | <b>۱</b> | <b>۳</b> |
| <b>۵</b>            | <b>۶</b>  | <b>۴</b>  | <b>۱</b>  | <b>۲</b>  | <b>۵</b>  | <b>۳</b>  | <b>۸</b> | <b>۷</b> | <b>۶</b> | <b>۵</b> | <b>۴</b> | <b>۳</b> | <b>۲</b> | <b>۱</b> | <b>۳</b> |
| <b>۶</b>            | <b>۷</b>  | <b>۸</b>  | <b>۹</b>  | <b>۵</b>  | <b>۴</b>  | <b>۳</b>  | <b>۱</b> | <b>۲</b> | <b>۳</b> | <b>۴</b> | <b>۵</b> | <b>۶</b> | <b>۷</b> | <b>۸</b> | <b>۹</b> |
| <b>۷</b>            | <b>۸</b>  | <b>۹</b>  | <b>۵</b>  | <b>۴</b>  | <b>۳</b>  | <b>۱</b>  | <b>۲</b> | <b>۳</b> | <b>۴</b> | <b>۵</b> | <b>۶</b> | <b>۷</b> | <b>۸</b> | <b>۹</b> | <b>۵</b> |
| <b>۸</b>            | <b>۹</b>  | <b>۵</b>  | <b>۴</b>  | <b>۳</b>  | <b>۱</b>  | <b>۲</b>  | <b>۳</b> | <b>۴</b> | <b>۵</b> | <b>۶</b> | <b>۷</b> | <b>۸</b> | <b>۹</b> | <b>۵</b> | <b>۴</b> |
| <b>۹</b>            | <b>۵</b>  | <b>۴</b>  | <b>۳</b>  | <b>۱</b>  | <b>۲</b>  | <b>۳</b>  | <b>۴</b> | <b>۵</b> | <b>۶</b> | <b>۷</b> | <b>۸</b> | <b>۹</b> | <b>۵</b> | <b>۴</b> | <b>۳</b> |

- جدول ۴۵۳۵** - طراح: بیزن گورانی

**افتی:**

۱- منوس - از نام‌های پیامبر اسلام(ص) - فرارکردن
۲- مشکل و گرفتاری سخت و لاینحل- ماندینه
۳- رشوه‌دادن- رهایی - خطی در دایره ۴- از ماهیان خلیج فارس- نوعی کاغذ نامرغوب- امیدوارکردن ۵- از شبکه‌های تلویزیونی برون‌مرزی صداوسما- اهل ری- راهی که به آخر نمی‌رسد!۶- گرداگرد دهان- دایره المعارف فرانسوی- پسر کودرز که در جنگ یازده‌خ کشته شد ۷- کارگاه هنری- فیلمی ساخته استیون اسپیلبرگ- از مذاهب چهارگانه اهل سنت ۸- نیروگاه شمال کشور- از آزادی‌خواهان انقلاب مشروطه ایران- الی آخر ۹- رسم و سنت- شهری در استان بوشهر- سوره سسی وهفتم قرآن ۱۰- فرود آمدن - حربه‌ای شبیه شمشیر- سنگریزه ۱۱- مجرای خون- دستمزد- شمارش ۱۲- رخت- نرمی و روانی- سیاستگاری ۱۳- پدر آذری- شیرینی سنتی تبریز- غذایی از گوشت ران گوساله ۱۴- معتقد- مجموعه داستانی نوشته منیر روانی پور ۱۵- معاشرت- پروردگار- هرگزیم... تو از لوح دل و جان تروود

**عمودی:**

۱- نشانی- تأمین کننده معاش افراد خانواده- خطاب محترمانه مردانه ۲- درازگوش- حقیقی و واقعی- جسور و بی‌پروا ۳- در هم داخل‌شدن- قشر، پوسته- محل نصب رادار ۴- نوعی کلم پرخاصیت- گیاه- تکرار حرفی ۵- زمین آماده کشت- سست و بی‌بنیاد- کندن علف‌های هرز ۶- بیشترین مقدار- سوره سسی‌وپنجم قرآن- میان ۷- تلخ- استخوان‌فک- برداشت خاص از موضوعی ۸- هم‌داستان کلیله- ایرپایانه ساخت ایران- قدرت و توان ۹- مزدور - هورمون‌های جنسی ماده را